

# صرفه جوئی در هزینه ناشی از گسترش فعالیت شرکتها در صنعت بیمه

ترجمه: غلامعلی ثبات

## مقدمه

سیاست گذاران صنعت بیمه بطور مستمر مجبورند تغییرات ساختاری را که صنعت بیمه جهانی در آینده با آنها روبرو می شود، پیش بینی کنند و به آن بیندیشند. چرا که روند یکپارچه شدن و آزادی خدمات در جامعه اروپا و گات<sup>۱</sup>، لاجرم صنعت بیمه و دیگر بخشهای خدمات ملی را با مجموعه جدیدی از مشکلات درازمدت روبرو خواهد ساخت. تغییرات ساختاری در عرضه و تقاضای خدمات ممکن است ایجاب کند که این سازمانها ابعاد فعالیت و ساختار سازمانی خود را برحسب نوع محصول و نیروهای بین المللی تعدیل کنند.

در اواخر دهه هشتاد بخش خدمات کشورهای اروپائی شاهد روند تمرکزگرایی مستمری بود. این روند که در بین سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۹ در حال افزایش بود (و بر صنعت بیمه نیز اثر گذاشت) در سال ۱۹۸۹ تا اندازه ای کاهش یافت. با این حال هنوز هم این امر مسئله عمده ای برای سیاست گذاران به شمار می رود.

چنین وضعیتی ارائه تحلیلی را درباره اثراتی که گسترش فعالیت و ادغام شرکت های بیمه در یکدیگر بر هزینه های آنها می گذارد ضروری می نماید. بعلاوه مسئله توسعه آینده بازارهای بیمه ای آزاد شده مفاهیم و نظریات جدیدی ارائه داده است که به علت پیچیدگی موضوع، ما آنرا به سؤالات مهم و راهبردی زیر محدود کرده ایم:

- آیا بین گسترش سازمان و فعالیت یک شرکت بیمه با هزینه های اجرایی آن رابطه ای وجود دارد؟

- گسترش شرکت بیمه چه تأثیر مهمی بر هزینه های اجرایی آن دارد؟

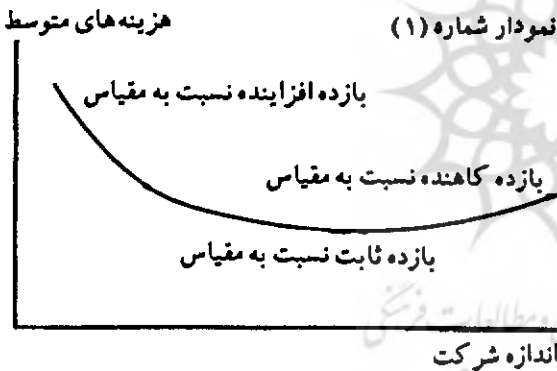
در رابطه با این سؤالات متون اقتصادی نظریه «صرفه جوئی های ناشی از مقیاس<sup>۲</sup>» را ارائه می دهند. مفهوم بازده فزاینده نسبت به مقیاس فرض می کند که سازمانها می توانند از طریق گسترش و رشد فعالیت خود مزایای هزینه ای قابل توجهی بدست آورند. سؤالی که در اینجا مطرح می شود اینست که چه ارتباطی بین اندازه شرکت و هزینه های متوسط آن وجود دارد؟ هزینه متوسط در شرکت های بیمه گسترش یافته، روند افزایشی داشته است یا روند کاهشی؟ یا اینکه ثابت باقی مانده است؟

نظریه صرفه جوئی های ناشی از مقیاس به عنوان نقطه شروع تحلیل های مربوط به اندازه بهینه شرکت در صنعت بیمه مورد استفاده قرار می گیرد. بر این اساس تحلیل حاضر نتایج حاصل از بررسی بازارهای بیمه ای کشورهای ایالات متحده، آلمان، هلند، اطریش، سوئیس و ژاپن را ارائه می دهد که پس از طرح مفهوم صرفه جوئی های ناشی از مقیاس به ذکر شیوه بررسی و نتایج بدست آمده خواهیم پرداخت.

## مفهوم صرفه جوئی های ناشی از مقیاس

ایده مربوط به صرفه جوئی های ناشی از مقیاس ساده است. اصل عمومی بازده فزاینده نسبت به مقیاس براساس این مفهوم است که سازمان می تواند با افزایش ظرفیت، تولید را با هزینه کمتری انجام دهد. بازده فزاینده نسبت به مقیاس هنگامی محقق می شود که با دو برابر شدن

می‌گیرد که تولید افزایش می‌یابد و هزینه‌های متوسط در حال کاهش است. منحنی هزینه متوسط صعودی، منطقه‌ای را نشان می‌دهد که افزایش ظرفیت تولیدی باعث کاهش بازده نسبت به مقیاس می‌شود. به لحاظ تئوری اندازه بهینه شرکت موقعی بدست می‌آید که منحنی هزینه متوسط به پائین‌ترین سطح خود می‌رسد. هنگام تفسیر چنین منحنی‌هایی باید در نظر داشت که این منحنی‌ها یک وضعیت آنی را منعکس می‌کنند و تنها در یک تحلیل مقطعی می‌گنجند. منحنی‌های صعودی، افزایش کوتاه مدت هزینه‌های متوسط را منعکس می‌کنند و نه افزایش بلند مدت را. بنابراین نتایج یک تحلیل مقطعی تضمین نمی‌کنند که هزینه‌های در حال افزایش یک تشکیلات منفرد، همچنان به روند خود ادامه دهند.



منحنی هزینه متوسط نظری برای نشان دادن مفهوم صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس

### روش و مشکلات تحلیل

در این بررسی مطالعه در هر یک از بازارهای بیمه‌ای مورد نظر براساس آمارهای عمومی موجود در گزارشهای سالانه و انتشارات هیئت‌های نظارت آنها صورت گرفته است. بازارهایی که انتخاب شده است هم بازارهای با قوانین محکم نظیر سوئیس و آلمان و هم بازارهای با آزادی بیشتر نظیر هلند و ایالات متحده را دربر می‌گیرد. پایه اطلاعاتی در هر کشور تعدادی از

نیروی کار و سرمایه، تولید بیش از دو برابر افزایش یابد. این بدان معناست که هنگامی که هزینه کل با افزایش بکارگیری نیروی کار و سرمایه افزایش می‌یابد، تولید با نسبت بیشتری افزایش یابد. بازده فزاینده نسبت به مقیاس با کاهش هزینه متوسط (هزینه کل تقسیم بر تعداد واحدهای تولید شده) مشخص می‌شود. بنابراین اگر هزینه‌های متوسط افزایش یابد، بازده فزاینده نسبت به مقیاس کاهش یافته است و در صورتی که هزینه‌های متوسط بدون تغییر باقی بمانند، بازده نسبت به مقیاس ثابت می‌ماند. به بیان بهتر، صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس در صورتی وجود خواهد داشت که ظرفیت تولیدی بدون هیچگونه تغییری در تکنولوژی، نسبت نیروی کار به سرمایه و یا مدیریت افزایش یابد. بنابراین صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس نباید با افزایش توان تولیدی اشتباه شود. برای مثال شرکتی که سرمایه مورد استفاده خود را با تهیه ماشین‌آلات جدیدی که جوابگوی هزینه‌های خود نیز هستند افزایش می‌دهد باید نسبت به افزایش در ظرفیت تولید نیز مطمئن باشد. در عین حال با وجودی که حجم فعالیت و هزینه‌های متوسط شرکت بطور محسوسی تغییر یافته‌اند نمی‌توانند به عنوان صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس قلمداد شوند. در عوض تکنولوژی پیشرفته و سرمایه افزونتر باعث افزایش قدرت تولیدی شده است.

ما در این تحلیل تعریف مشخص و صریح صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس را مورد استفاده قرار می‌دهیم. اما در مطالعات کاربردی نه تنها اندازه تشکیلات بلکه عوامل دیگری نظیر نوع محصول یا نحوه بازاریابی نیز به کاهش هزینه‌های متوسط کمک می‌کنند.

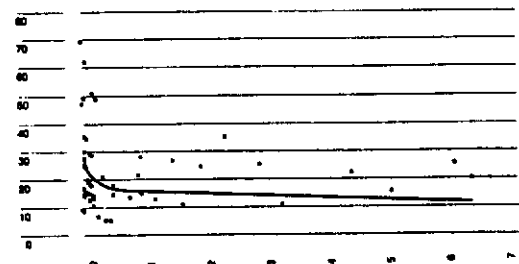
مفهوم بازده فزاینده نسبت به مقیاس بر پایه نمودار شماره (۱) که منحنی مربوط به هزینه متوسط یک تشکیلات را نسبت به اندازه آن نشان می‌دهد، قرار گرفته است. براساس این نمودار بازده فزاینده نسبت به مقیاس در محدوده‌ای قرار

شرکت‌های بیمه است که براساس نرخ هزینه (درصد هزینه‌های اجرائی<sup>۳</sup> نسبت به حجم حق بیمه) و میزان حق بیمه ارزیابی شده‌اند. حجم حق بیمه خالص یا ناخالص اندازه شرکت را مشخص می‌کند و نرخ هزینه، هزینه‌های متوسط شرکت را طی یکسال نشان می‌دهد. انتخاب میزان حق بیمه به عنوان مشخص‌کننده اندازه شرکت به دلایل گوناگون مسئله سازاست. برای مثال حق بیمه اسمی در حالی محاسبه می‌شود که به شدت تحت تأثیر اوضاع پیرامون و محیط رقابتی بازار می‌باشد. گرچه صنعت بیمه و دیگر بخشهای خدماتی، محصولی فیزیکی برای ارزیابی تعداد واحدهای تولید شده ندارند.

تابع مدل خطی ارائه شده برای بررسی ارتباط بین اندازه شرکت و هزینه متوسط به صورت  $y = axB$  است که در آن  $y$  نرخ هزینه و  $x$  حجم حق بیمه می‌باشد. این تابع با روش OLS (حداقل مربعات معمولی) و استفاده از رگرسیون خطی لگاریتمی تخمین زده شده است.

بر این اساس برای هر بازار یک منحنی هزینه متوسط بر پایه آمارهای موجود تخمین زده می‌شود بنحوی که روند افزایش هزینه‌های متوسط نسبت به اندازه شرکت را در زمان مشخصی منعکس می‌کند. سپس نرخ هزینه متوسط تخمینی با مقادیر ثبت شده واقعی در یک نمودار ترسیم می‌گردند (نگاه کنید به نمودار ۲):

نرخ هزینه خالص به درصد



حجم حق بیمه خالص

نمودار ۲: نرخ هزینه خالص در ارتباط حجم حق بیمه همراه با منحنی هزینه متوسط تخمینی دیگر نتایج از یک طرف به منحنی هزینه

متوسط تخمینی و از طرف دیگر به پراکندگی مقادیر واقعی که اطراف منحنی ثبت شده‌اند، مربوط می‌شود. اگر نقاط در نزدیکی منحنی قرار گرفته باشند، تحلیل آماری (رگرسیون) ارتباط معنی‌داری را بین اندازه شرکت و هزینه‌های آن نشان می‌دهد و در صورتی که توده نقاط در محدوده وسیعی اطراف منحنی پراکنده باشند، هیچگونه ارتباط نزدیکی بین هزینه‌های متوسط و اندازه شرکت مشاهده نمی‌شود. در چنین مواردی اندازه شرکت بین عوامل مؤثر بر هزینه‌های متوسط قرار نمی‌گیرد. بازده فزاینده نسبت به مقیاس در صورتی بوجود می‌آید که منحنی هزینه‌های متوسط نزولی بوده و ارتباط معنی‌داری بین اندازه شرکت و هزینه‌های متوسط مشاهده شود. در حالتی که منحنی هزینه‌های متوسط افقی بوده و نقاط واقعی در اطراف آن زیاد پراکنده نباشند، صرفه‌جوییهای ناشی از مقیاس ثابت می‌باشد.

در رابطه با تغییر منحنی هزینه متوسط در مورد شرکت‌های بزرگ توجه به یک نکته احتیاطی ضروری است: در منحنی هزینه متوسط تخمینی فرض می‌شود که افزایش هزینه‌های متوسط اجازه رسیدن به سطح حداقل و افزایش دوباره را نمی‌دهد. (به حرکت تدریجی منحنی بطرف ۱۵ درصد در نمودار ۲ توجه کنید). از آنجا که ما به تعارض بازده کاهش نسبت به مقیاس با شرکت‌های بزرگ فکر می‌کنیم، تحلیل‌مان را روی مناطقی متمرکز کرده‌ایم که هزینه‌های متوسط نزولی و یا ثابت باشند. این نگرش باعث مبالغه در بازده فزاینده نسبت به مقیاس در مورد شرکت‌های بزرگ می‌شود. بنابراین تفسیر روند نزولی جزئی منحنی‌های متوسط در مورد شرکت‌های بزرگ احتیاط بیشتری را می‌طلبد.

وضعیت صنعت بیمه

قبل از بررسی نتایج، لازم است به گام‌هایی

هر کشور اجازه نمی‌دهد که نتایج بطور مستقیم با یکدیگر قابل مقایسه باشند. برای مثال نباید براساس آمارها و تخمینهای مورد استفاده در این تحلیل به مقایسه سطوح هزینه متوسط کشورهای مختلف دست زد. در حالی که می‌توان گسترش منحنی‌های روند را با یکدیگر مقایسه و تشریح نمود، با منحنی‌های روند تخمینی نمی‌توان چنین کاری را انجام داد. در عین حال تحلیلهای مربوط به تمام شرکت‌های مربوط به بازارهای مختلف، مبتنی بر متغیرها و تعاریف یکسان می‌باشد.

- محدودیت اندازه شرکت به عنوان عاملی قطعی در تحلیل: این بررسی بطور آگاهانه به تحلیلی از ارتباط بین اندازه شرکت و هزینه‌های متوسط آن محدود گشته است. البته نه آن که هزینه‌های اجرائی منحصراً بوسیله اندازه شرکت تعیین می‌شود و نه آن که هزینه‌های متوسط تنها عامل تعیین‌کننده میزان موفقیت یک شرکت باشد. بنابراین در یک تحلیل جامع چند عامل مؤثر دیگر نظیر خسارات پرداختی یا بیمه‌نامه‌های صادره نیز باید مدنظر قرار گیرد. با آنکه این گونه موارد، تشابه بین نتایج منفرد را مختل می‌کند، می‌توان بعضی یافته‌های جزئی را ارائه نمود. در مراحل اولیه علیرغم وجود روابط محدود کننده، هزینه‌های متوسط به عنوان یک عامل تعیین‌کننده باید با محدودیت بیشتری مورد بررسی قرار گیرند. بعلاوه اهمیت آنها با توجه به موفقیت مؤسسه باید ارزیابی شود.

خصوصیت چند بُعدی صنعت بیمه: این تحلیل بازار کشورهای را که تنها به دو نوع بیمه زندگی و غیرزندگی تفکیک شده‌اند، مورد بررسی قرار داده است. این بازارها هر کدام دارای شرکت‌های بیمه بسیار نامتجانسی هستند که خدمات آنها قابل مقایسه با یکدیگر نیستند این تفاوت‌های ساختاری در هزینه‌های متفاوت منعکس می‌شوند و این نکته‌ای است که در تفسیر نتایج باید آنرا مدنظر داشت.

که در مورد صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس در صنعت بیمه برداشته شده است، نگاهی بیندازیم. تاکنون اکثر بررسی‌های تجربی بر تحلیل‌های مقطعی مربوط به یک کشور یا بازار خاص متمرکز بوده است. روش بکار رفته توسط محققین، تخمین منحنی‌های هزینه متوسط در صنعت بیمه و برای فقط یک بازار بوده است. تمام مطالعات مشکل گرفتن شاخص یگانه‌ای برای تعیین اندازه شرکت را مطرح کرده‌اند و علیرغم معایبی که قبلاً ذکر شد، اکثراً میزان حق بیمه را به عنوان شاخص اندازه شرکت مورد استفاده قرار داده‌اند. بعضی از مطالعات مشخصات دیگری نظیر تعداد قراردادهای، میزان خسارت پرداختی یا جمع سرمایه‌های بیمه شده را بررسی کرده‌اند.

بسیاری از مطالعات موجود، به لحاظ نتایج بدست آمده و روش مطالعه با یکدیگر تفاوت دارند. تنوع نتایج تا اندازه‌ای ناشی از بکارگیری روش‌های متفاوت و مجموعه آمارهای موجود می‌باشد و از آنجا که تنها یک یا دو کشور و با روشهای تجربی متفاوت بررسی می‌شوند، مقایسه تحلیلهای در بازارهای منفرد بصورت فزاینده‌ای مشکل‌آفرین می‌شود.

به همین علت، مطالعه حاضر بازارهای هر کشور و کل بازار را بوسیله روشهای واحد و عموماً با سریهای زمانی یکسان (سالهای ۱۹۸۸ تا ۱۹۸۹) مورد بررسی قرار داده است.

### محدودیت‌های تحلیل

- تحلیل مقطعی در یکسال: این مطالعه به تحلیل مقطعی سال ۱۹۸۸ (برای هلند و ایالات متحده ۱۹۸۹) محدود بوده است.

- مقایسه بین کشورها ممکن نیست: تحلیلهای هر کشور باید به عنوان یک مطالعه جداگانه در نظر گرفته شود چرا که تفاوت‌های بین کشورها بر حسب شکل بازار، شرایط حاکم و ساختار عرضه و تقاضا هم بر حجم حق بیمه و هم بر نرخ هزینه اثر می‌گذارد و شرایط متفاوت در

## نتیجه گیری

در این بخش نتایج حاصل از بررسی کشورهای مختلف را خلاصه کرده ایم. ما به ذکر مجدد نکات احتیاطی تحلیل نخواهیم پرداخت گرچه هنوز در برخی از عبارتهای زیر این نکات مشاهده می شود:

- در تمامی بازارهای تحت بررسی هزینه های متوسط مربوط به شرکت های بزرگتر بیمه یا در سطحی ثابت قرار داشتند و یا روند رو به کاهش ضعیفی از خود نشان می دادند.

- در شرکت های کوچکتر بیمه زندگی ایالات متحده و بیمه غیرزندگی کشورهای هلند اطریش و ژاپن، هزینه های متوسط روند نزولی داشتند.

- در بازارهای بیمه غیرزندگی ایالات متحده، آلمان و سوئیس هیچگونه ارتباط روشنی بین اندازه شرکت و هزینه های متوسط آن مشاهده نشد و اندازه شرکت هیچگونه تأثیر معنی داری روی هزینه های متوسط شرکت های کوچکتر بیمه نشان نداد.

- تنها در بعضی از بازارها، سازمانهای کوچکتر بیمه ای (به استثناء ژاپن) یعنی مؤسساتی که حداکثر ۵۰۰ میلیون دلار آمریکا حق بیمه داشتند، کاهش مشخص هزینه متوسط با بازده فزاینده نسبت به مقایسه وجود داشت.

- بازارهایی نظیر هلند و آمریکا که از محدودیتهای قانونی کمتری برخوردار هستند هیچگونه روند مشخصی در جهت بزرگ شدن شرکت ها از خود نشان ندادند و علیرغم نشانه های روشنی از وجود صرفه جویی ناشی از مقیاس، این بازارها هنوز دارای تعداد نسبتاً زیادی از شرکت های کوچک و بزرگ هستند.

اینکه در صنعت بیمه بزرگ شدن شرکت به تنهایی هیچگونه مزایای هزینه ای قابل توجهی دربر نداشته باشد زیاد باعث تعجب نیست. اگرچه تمایلی که بیمه گران بزرگ در جهت حفظ بازده ثابت نسبت به مقیاس از خود بروز می دهند، نشان

می دهد که شرکت های گسترش یافته هنگامی که به سطحی از هزینه ها در محدوده ای متوسط برسند، در معرض صدمات ناشی از زیانهای هزینه های اساسی قرار نمی گیرند.

- هیچکدام از بازارهای مورد بررسی، شاخصی را که نشان دهد، هزینه های متوسط شرکت های بزرگتر مجدداً بطور معنی داری افزایش یافته است، ارائه ندادند، هر چند که به لحاظ نظری این امر امکان پذیر است. حتی اگر هزینه های متوسط در سطح ثابت و قابل اعتمادی قرار گرفته باشند، هیچگونه مزایای هزینه ای را برای سازمانهای در حال رشد ارائه نمی دهند و انگیزه کافی برای بزرگ شدن شرکت ها بوجود نمی آورند. در عین حال اگر دلایل دیگری برای بزرگ شدن شرکتها وجود داشته باشد، پراکنده گی هزینه های متوسط در بخشهای مختلف، حداقل نشان می دهد که انتظار نمی رود هیچگونه زیان جدی با توجه به هزینه ها وجود داشته باشد.

در بعضی از بازارها توزیع نقاط واقعی در نمودار مربوطه، ارتباطی را بین اندازه شرکت و هزینه های متوسط مربوط به، شرکت های کوچکتر از خود نشان می دادند. پراکنده گی به نسبت زیاد نتایج واقعی این موضوع را که سازمانهای کوچکتر شانس بقاء خود را از دست می دهند، ضعیف می کند و طبیعت نامتجانس بازارها و تولیدات بیمه ای را نشان می دهد. عوامل دیگری بجز اندازه شرکت نظیر نظام توزیع، تنوع محصول و موقعیت در بازار بخصوص در مورد شرکت های کوچکتر بیمه ای، تأثیری بمراتب بیشتر از اندازه شرکت بر هزینه های متوسط دارند. در نتیجه یک ساختار عرضه متنوع نیز فرصتهایی را به شرکت های کوچکتری که دارای تنوع محصول و نظام توزیع یکسانی هستند می دهد. با این حال مشکل تحلیل حاضر در این است که تنها یکسال گذشته را مورد بررسی قرار می دهد. امروزه تغییرات ساختاری سریع و حذف قوانین محدود کننده مشخصه صنعت بیمه در اروپا و دیگر

کشورهاست. سؤالی که بجا می‌ماند این است که در آینده این تغییرات بازارهای حمایت شده، موقعیت بازار و نظامهای توزیع را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

چنین تحلیلی در مدت پنج سال چه نتایجی را ارائه می‌دهد؟ وضعیت اثر بازارهای آزاد شده نظیر هلند و ایالات متحده، نشانه‌هایی را در این زمینه بما خواهند داد. جالب است که در این دو بازار که بیشتر آزاد شده‌اند، نیروی بالقوه موجود برای بازده فزاینده نسبت به مقیاس در مورد شرکت‌های کوچکتر بیمه‌ای بیشتر جلب توجه می‌کند.

در بازارهای قانونمند بسته نظیر آلمان و سوئیس هیچگونه ارتباطی بین اندازه شرکت و هزینه‌های متوسط مشاهده شد. آیا این بدان معناست که صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس تنها در بازارهای آزادتر و با رقابت بیشتر قابل حصول است؟ آیا کنترل قیمت و بافت قوانین بسته، شرکت‌های کوچکتر را از دستیابی به صرفه‌جویی‌های بالقوه ناشی از مقیاس باز می‌دارد؟ اگر قیمت‌ها تنها بدنبال افزایش هزینه‌ها افزایش یابند، تأثیر کنترل قیمت و قوانین بازار بر حصول به صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس موضوع باید کاملاً واقعی جلوه کند. نتایج حاصل از آزادی‌های قانونی در بازارهای هلند و ایالات متحده، حداقل هیچگونه نیروی بالقوه روشنی برای صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس در سازمانهای بزرگ و در نتیجه ضرورت اقتصادی برای بزرگ شدن این شرکت‌ها نشان ندادند. تنوع زیاد محصولات در این بازارها نشان می‌دهد که در بازارهایی که محدودیت قانونی کمتری دارند بیمه‌گران کوچک و بزرگ هر دو قادر به ادامه حیات می‌باشند.

در بعضی از بازارها یک نیروی بالقوه واقعی برای بازده فزاینده نسبت به مقیاس مشاهده گردید. جدای از بازار ژاپن، این نیروی بالقوه با حجم حق بیمه نسبتاً کمی یعنی در حدود ۴۰۰

میلیون دلار آمریکا از بازار خارج شده است. بیمه‌گران متوسط اروپایی اخیراً در آستانه رسیدن به این حجم از حق بیمه می‌باشند و گسترشهای بعدی تنها هزینه‌های متوسط را در سطحی ثابت نگاه خواهند داشت.

اگر این نتایج بسنا باشد برای برنامه‌ریزی‌های بلندمدت یک سازمان مورد استفاده قرار گیرند، یک موضوع باید در نظر گرفته شود: همانطور که ذکر شد این مطالعه تحلیلی مقطعی از چندین سازمان را در یک برهه از زمان ارائه می‌دهد. بنابراین منحنی‌های هزینه متوسط تخمینی، وضعیت هزینه‌ای شرکت‌های با اندازه‌های مختلف را در یک بازار و در زمانی مشخص توضیح می‌دهند. از این رو لزوماً گسترش مورد انتظار هزینه‌های متوسط شرکتی را که با افزایش سهم خود در بازار و یا خرید دیگر شرکت‌ها در حال گسترش است منعکس نمی‌کنند. هنگامی که منحنی‌های هزینه متوسط شرکت‌های بزرگتر در یک سطح ثابت باشند، تضمینی وجود ندارد که یک شرکت در حال رشد افزایش بلند مدت یا میان مدتی در هزینه‌های متوسط خود نداشته باشد. مثالهای متعددی وجود دارد که رشد شرکت اثرات کمک‌کننده مطلوب یا کاهش هزینه در پی نداشته است.

مسئله صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس هنوز هم یک موضوع بحث‌انگیز در صنعت بیمه است و این سوال مطرح است که اگر هدف منافع حاصل از صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس محقق نشده است چرا در سالهای اخیر موجی از ادغام و خرید شرکت‌ها مشاهده می‌شود؟ چه اهداف دیگری در این کار وجود داشته است؟

دیگر دلایل برای رشد شرکت: در مجموع دلایل زیادی برای جذابیت صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس وجود دارند و موج تمرکزگرایی را که از طریق ادغام و خرید شرکت‌ها از اوائل دهه ۱۹۸۰ آغاز گردیده‌اند، توضیح می‌دهند. این دلایل شامل صرفه‌جویی در فضای کار، افزایش

ساختاری قابل پیش‌بینی، حمایت از این نظر را بیشتر عیان می‌سازد که یک فرد صاحب قدرت در یک شرکت بزرگ که سهم بیشتری از بازار را در اختیار دارد، برای رسیدن به اهداف مورد نظر در موقعیت مناسب‌تری می‌باشد. برای اینکه ببینیم تغییرات ساختاری تا چه حد نیاز به اصلاحات کمی و کیفی در طرف عرضه دارند و آیا تنها سازمانهای بزرگ قادر به تعدیلات کیفی می‌باشند، باید همچنان منتظر بمانیم.

نکته‌هایی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که امروزه تغییرات ساختاری بطور اساسی از طریق ادغام و خرید شرکت‌ها انجام می‌شوند و شرکت‌های خارجی از طریق خرید سهام یا خرید شرکت‌های موجود شروع به ظهور در بازارهای داخلی نموده‌اند. در عین حال وجود رقابت کنندگان واقعی و جدید یک استثناست چرا که گسترش‌هایی که امروزه در سازمانها بوجود آمده، بیشتر از آنکه به قصد افزایش در عرضه خدمات بیمه‌ای باشد، تغییر در مالکیت دارائی‌ها را در پی داشته‌است. با این وجود این گسترشها بر میزان رقابت نیز افزوده‌است. هر چند که عرضه بیشتر تا هنگامی که ورود به بازار محدود باشد و تمام رقابت کنندگان جدید اجازه ورود به بازار را نیافته باشند رقابت را بیشتر نخواهد کرد.

پاورقی

(۱) موافقتنامه عمومی تعرفه و بازرگانی

General Agreement on tariff and trade

(۲) (Economies of Scale) غالباً بر اثر افزایش اندازه و مقیاس کارخانه، کار و کسب یا صنعت هزینه‌های واحد تولید کاهش می‌یابد و از این راه عوایدی بدست می‌آید. در اوضاع و احوال مساعد مقیاس بزرگ تولید منجر به صرفه‌جویی‌هایی مهم می‌شود.

(۳) هزینه‌های اجرایی جامع بوده و شامل حق کمیسیون، هزینه‌های عمومی مدیریت، هزینه خرید و دیگر موارد می‌باشد.

دسترسی به بازارهای سرمایه، نیروی بالقوه تشریک مساعی و عقلانی عمل کردن و مزایای مالیاتی است. صرفه‌جویی در فضای کار در صورتی حاصل می‌شود که سازمانی از طریق ادغام شکل گیرد و محصولات متفاوتی را با هزینه‌های متوسطی کمتر از آنچه که شرکت‌های مجزا با یکنوع محصول متقبل می‌شوند، ارائه کند. برای مثال سازمانی که سه نوع بیمه‌های درمانی، بیمه زندگی و بیمه وامهای کوچک ارائه می‌دهد، زمانی به صرفه‌جویی‌های ناشی از فضای کار دست می‌یابد که هزینه‌های متوسط آن از میانگین هزینه‌های متوسط سه شرکت دیگر که هر کدام بطور مستقل یکی از این خدمات را ارائه می‌نمایند کمتر باشد. صرفه‌جوییهای ناشی از فضای کار که توسط بیمه‌گرانی که خدمات متفاوتی ارائه می‌دهند بوجود می‌آید، موضوع مشکل آفرین قابل توجهی در صنعت بیمه نیست. با این حال در مورد صرفه‌جوییهای ناشی از فضای کار بین بانکداری و خدمات بیمه‌ای مدارک آماری اندکی وجود دارد. تردیدی نیست که چنین موضوع پیچیده‌ای که به عنوان خدمات مالی یا تأمین مالی شناخته شده‌است، اهمیت خود را در آینده بازخواهد یافت.

ورای فعالیت‌های ادغام شرکتها، برنامه‌های حیاتی بلندمدت، تغییرات ساختاری سریع و مشکلات ناشی از روابط بین شعبه اصلی و نمایندگان نیز از جمله انگیزه‌های حرکت در جهت رشد شرکت و افزایش سهم بازار می‌باشند. انگیزه بدست آوردن سهام بازار با طرحهای حیاتی و بلندمدت یک سازمان تبیین می‌شود. سیاست‌گذاران بر این باورند که شرکت‌های ارائه دهنده خدمات مالی در جهت حفظ بقا مجبور به تغییرات قابل توجه و انعطاف در قبال تغییرات ساختاری آینده می‌باشند. مفاهیم کلیدی تأمین مالی، بین‌المللی شدن و گوناگونی دامنه تولید اجماًلاً نیازهای مورد انتظار را توضیح می‌دهند. نااطمینانی گسترده ناشی از اثرات تغییرات